

جنبش جمهوریخواهان دموکرات و لائیک ایران- واحد ها نور

نقش زنان در انقلاب ایران

مهرداد درویشپور، استاد جامعه‌شناسی در سوئد و مؤلف کتاب‌هایی در زمینه‌ی زنان، روز 14 فوریه در کارگاه ایرانیان در شهر هانوفر آلمان در رابطه با "نقش زنان در انقلاب ایران از آغاز تا به امروز" سخنرانی کرد.

وی سبب اندیشه‌ی زن‌ورانه در خود را مادرش سیمین درویشپور می‌داند، چرا که سیمین از نوجوانی به تنهایی بر پاهای خود ایستاده، تنها پسرش مهرداد را به تنهایی و با نام فامیل خود بزرگ کرده، در کنار اشتغال به کلاس‌های سوادآموزی رفته و در عمل به او یاد داده که به زنان نه به عنوان قربانی، بلکه کنشگر بنگرد.

نخستین کنشگران زن

درویشپور به نخستین کنشگران زن در تاریخ ایران اشاره می‌کند. به قره‌العین که با کشف حجاب خود جامعه‌ی مردسالار را به چالش می‌کشاند و یا تاج‌السلطنه که خاطراتش را می‌نویسد.

از نظر وی حضور زنان در انقلاب مشروطه مستقل نبود، بلکه آنان به خاطر فتوای روحانیان در جنبش تنباکو نقش داشتند. وی گفتمان زمان مشروطیت را به سه گستره‌ی سلطنت، روحانیان و روشنفکران تقسیم می‌کند. جنبش اجتماعی و روشنفکران به سایه رانده می‌شوند، ولی روحانیون و پادشاهی قانون اساسی را رقم می‌زنند و شرع اسلام در آن نقش بازی می‌کند.

شبه مدرنیسم

در دوران رضاشاه پروژه‌ی مدرنیسمی اجرا می‌شود که درویشپور از آن به عنوان شبه‌مدرنیسم و یا مدرنیسم مثله‌شده نام می‌برد. هرچند این شبه‌مدرنیسم دست‌آوردهایی برای زنان دارد و شرع اسلامی را به عقب می‌راند که با مخالفت روحانیون نیز مواجه می‌شود، اما از این مدرنیسم آمرانه جنبش زنان تولد نمی‌یابد.

گرایش‌های تأثیرگذار بر جنبش زنان

از نظر درویش‌پور در زمان سلطنت محمدرضا و در سال‌های 27 تا 32 نیز گرچه در حزب توده فضایی ایجاد می‌شود که ما با نوعی حضور زنان مواجه می‌شویم، اما این حضور نیز مستقل نیست و نمی‌توان از آن به عنوان جنبش مستقل زنان نام برد.

درویش‌پور سازمان زنان تحت نظر مهنار افخمی را نیز جزئی از پروژه‌ی مدرنیسم آمرانه می‌شمارد.

وی اما از دو جریان دیگر در سطح سیاسی جامعه نام می‌برد که بر جنبش زنان تأثیر می‌گذارند. یکی زنان چپ‌گرا در سازمان‌های گوناگون و جنبش چریکی و گروه‌های سیاسی و دیگر زنان اسلام‌گرا، چه در سازمان مجاهدین خلق و چه در دیگر گروه‌های اسلام‌گرا.

هرچند که تأکید گروه‌های چپ بر جنبش زنان بیشتر زنان ستم‌دیده را مورد خطاب قرار می‌داد و خواسته‌های فراگیر و همگانی زنان را عموماً نادیده می‌گرفت. مهرداد درویش‌پور

زنان سازمانی

در دوره‌ی انقلاب، با اینکه سازمان‌های سیاسی کمیته‌های زنان را برپا کردند، اما به مسائل زنان به عنوان یک معضل سیاسی نمی‌گریستند. آنان سوسیالیسم پدرسالار را ارائه می‌دادند و شعار آنان اول سوسیالیسم و سپس مسائل زنان بود.

از سوی دیگر برخلاف زنان ملی‌گرا که از سال 32 غالباً به حاشیه رانده شدند، زنان اسلام‌گرا حضوری قدرتمند یافتند. اما این زنان محجب و خودسپار بودند. یا خودسپار رجوی و یا خمینی. درویش‌پور خودسپاری را با اندیشه‌ی توتالیتار توأم می‌داند، با استفاده از نمادهایی که عقب راندن زنان را تداعی می‌کند، مانند نقش نمادین حجاب.

انقلاب و حقوق زنان

از آنجا که در زمان انقلاب زنان با شعارهای مستقل خود به میدان نیامده بودند، بزرگ‌ترین کلاه تاریخی به سرشان رفت و بیشترین لطمه را زیر پرچم اسلام‌گرایان دیدند.

از نظر وی انقلاب ایران که با هژمونی اسلام‌گرایان به جمهوری اسلامی منجر شد، با یک وضعیت متضاد مواجه گشت. چراکه غولی از شیشه درآمد

که دیگر نمیتوانست به شیشه برگردانده شود و آن گول زنانی بودند که از خانه بیرون آمده بودند.

از منظر قوانین حقوقی جمهوری اسلامی، اگر از حق رأی دادن زنان فاکتور بگیریم، در دیگر زمینه‌ها زنان شهروند درجه دو محسوب میشوند. چه در حوزه اشتغال، تحصیل، مشارکت سیاسی و چه در زندگی زنان شوی ما با یک تبعیض گسترده روبرو می‌شویم.

از نظر وی پروژه‌ی جمهوری اسلامی عقب راندن زنان است؛ با قوانینی چون کاهش سن ازدواج، تعیین سرپرستی و حضانت از سوی مرد و قانون تعدد زوجات، پدیده‌ی سنگسار، ممنوعیت سقط جنین و ممانعت از استفاده از قرص‌های ضد بارداری که با اجباری کردن حجاب قدرت‌نمایی خود را به اوج می‌رساند.

اگر رضاشاه پروژه‌ی شبه‌مدرنیسم خود را با کشف حجاب به نمایش می‌گذارد، این رژیم آن را با اجباری کردن حجاب به عقب می‌راند. بنابراین از منظر قوانین با یک واپس‌گرایی مواجه می‌شویم که به جز هم‌جنس‌گرایان و بهائیان، زنان یکی از اصلی‌ترین قربانیان آن هستند.

پای‌گیری جنبش زنان پس از انقلاب

درویش‌پور می‌گوید که از فردای انقلاب ما شاهد جنبش گسترده‌ی زنان هستیم. زنان حقوق خود را می‌خواهند، ولی حتی گروه‌های چپ‌گرا نیز به پشتیبانی این جنبش برنمی‌خیزند. وی از چهار گرایش گسترده در میان زنان ایران نام می‌برد:

یک گرایش "مسلمانان فمینیست" خوانده می‌شود. یعنی زنان با نوعی تمایل به تجدید نظر قوانین ضد زن و رجوع به آیه‌ی قرآن، فضا را برای مشارکت زنان باز می‌کنند. این گرایش بیشتر در نشریه‌ی زنان قلم می‌زد و یا امثال شیرین عبادی که تلاش می‌کنند قرائتی زن‌ورانه از دین بدهند، آنها هم مسلمانند و هم طرفدار حقوق بشر.

گرایش دیگر انصاف و عدالت را به جای برابرخواهی مطرح می‌کند. فمینیسم را پدیده‌ای غربی و نکوهیده می‌داند و از بومی‌گرایی سخن می‌گوید که در واقع به جای بهبود موقعیت زنان، انکار حقوق زنان را پیش می‌برد.

گرایشی را نیز زنان چپ‌گرا نمایندگی می‌کردند که بیشتر آت‌ه‌ایست بودند. آنان بزرگترین آفت برای حقوق زنان را مذهب تلقی می‌کردند و

رهایی زنان را در مقابله با مذهب می‌دانستند. درویش‌پور این نگاه را نیز ایدئولوژیک می‌داند و اضافه می‌کند که این گرایش در حال حاضر چندان جایی در جنبش زنان ندارد.

وی از گرایش فمینیست‌های سکولار نیز نام می‌برد. این گرایش به همراه فمینیست‌های مسلمان کمپین یک میلیون امضاء را تشکیل می‌دهند که بر جدایی دین از دولت پافشاری می‌کند، اما نگاه مذهب‌ستیزانه ندارند. آنان به مسئله حقوق زنان و مردان دنیوی می‌نگرند و تلاش دارند که نگاه "خنثی" به مذهب داشته باشند، چراکه آن را شرط فمینیست بودن نمی‌گذارند.

از نظر وی کمپین به یکی از مهم‌ترین جنبش‌های نوین ایران تبدیل شده است.

مصاحبه شهرزادنیوز با مهرداد درویش‌پور